



## نو‌پدیدگی در قدرت؛ بازتولید قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با تاکید بر سینمای هالیوود در پساپاندمی\*



دکتر سمیه حمیدی - احسان مزدخواه - پیمان زنگنه

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>). **چکیده**

مفهوم‌سازی از قدرت نرم در الگوهای رفتاری سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان ابزاری کارآمد در اجرای سیاست خارجی این کشور است. اساساً قدرت نرم مفهومی انتزاعی است که دارای تنوع ابزاری در رویکردهای اشاعه‌ای است. ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهایی است که متنوع‌ترین ابزارهای قدرت نرم را در عملیاتی شدن الگوهای رفتاری سیاست خارجی بکار می‌برد. در این بستر سینمای هالیوود به‌عنوان یک صنعت فرهنگی نقش مهمی در دستیابی دستگاه حکمرانی ایالات متحده در تأمین منافع بین‌المللی کمک کرده است. بر همین مبنای سینمای هالیوود در پسابحران (همه‌گیری کرونا و ویروس) با تاکید بر کنش مندی اسلکتیویستی ضمن روایت‌سازی، الگویی نوپدید از قدرت نرم در دوران پساکوید را اعمال خواهد کرد. پرسش، پژوهش حاضر این است که الگوی اسلکتیویستی در نوپدیدگی قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با عطف به نهاد هالیوود در پساپاندمی چگونه خواهد بود؟ هدف پژوهش حاضر فهم‌سنجی الگوی احیا قدرت نرم آمریکا در پساپاندمی با تاکید بر سینمای هالیوود است. نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که سینمای هالیوود به‌عنوان ابزار رسانه‌ای در اشاعه قدرت نرم ایالات متحده بر محور کنش مندی اسلکتیویستی ضمن روایت‌سازی الگویی نوپدید از قدرت نرم در دوران پساکوید اعمال خواهد نمود. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به سؤال اصلی گام بر خواهد داشت.

### کلید واژگان

نو‌پدیدگی قدرت نرم، سیاست خارجی آمریکا، اسلکتیویسم، هالیوود، پساپاندمی

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد احسان مزدخواه با راهنمایی دکتر سمیه حمیدی است. نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.

ایمیل: [Somaye.hamidi@birjand.ac.ir](mailto:Somaye.hamidi@birjand.ac.ir)

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، ایران.

عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند.

## مقدمه

در بیان مسئله پژوهش بیان تاکید نمود که کشورها در عرصه‌ی نظام بین‌الملل در چارچوب کنشگری‌های سیاست خارجی خود از قدرت به‌عنوان ژانوس بهره‌برداری می‌کنند. قدرت اساساً در روابط بین‌الملل همواره دارای دو چهره است. نخست، چهره‌ای منفی که بر پایه‌ی قدرت سخت-افزارانه بنا شده است و دوم، چهره‌ای مثبت (نرم) یعنی تعاملات فرهنگی و اقیاناسازی است. قدرت نرم همواره در جهت محافظت و حفظ منافع دولت - ملت‌ها استوار و بر قدرت جاذبه، مشروعیت‌سازی و اقیاناسازی مخاطب خود بنا شده است. استفاده از قدرت نرم می‌تواند موقعیت بین‌المللی یک کشور را در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل تقویت کند و عرصه‌ی تعاملات فرهنگی را گسترش دهد و از پرتو آن بر هژمونی و چیرگی فرهنگی کشور اعمال‌کننده بیفزاید و به‌بیان‌دیگر استفاده از قدرت نرم کشورها را در رسیدن به اهداف ترسیمی سیاست خارجی راهنمایی و رهنمود می‌نماید و نتایج بین‌المللی مثبتی برای آنان رقم می‌زند به مانند آنچه آمریکا با تاکید بر هالیوود در پس‌پاندمی برای باتولید قدرت نرم بهره خواهد گرفت. بر همین اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که الگوی اسلکتیویستی در ایجاد نوپدیدگی قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا با عطف به نهاد هالیوود چگونه خواهد بود؟ فرضیه در نظر گرفته شده این است که بر مبنای چهره نرم‌افزارانه‌ی قدرت، آمریکا با استفاده اشاعه قدرت نرم روایت‌ساز ضمن برندسازی از آمریکا در پی گسترانیدن چتر هژمونی فرهنگی خود و اساساً احیا قدرت نرم فرهنگی - رسانه‌ای در پس‌پاندمی است. روش تحقیق مقاله کنونی توصیفی - تحلیلی بوده است و هدف پژوهش فوق واکاوی کنشگری قدرت رسانه‌ای آمریکا با تاکید بر هالیوود در پس‌پاندمی برای بازتولید قدرت نرم خواهد بود.

## ۱- پیشینه

پیشینه پژوهش اثر حاضر را می‌توان با بررسی آثار تحقیقی در منابع فارسی و منابع لاتین به گونه زیر تقسیم‌بندی کرد.

کریمی فرد (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «پاندمی کرونا: قدرت نرم؛ نقش و و کارکرد رسانه افکار عمومی با تأکید بر ایران و آمریکا» (Karimifard, 2020: 77-113)، بیان می‌دارد رسانه‌های جمعی مهم‌ترین ابزار نمایش قدرت نرم هستند به این نکته مهم اشاره می‌کند که همه‌گیری کوید ۱۹ در نظام بین‌الملل منجر به اهمیت یافتن نقش پویای رسانه‌های شده و کشورهایی مانند آمریکا از این عاملیت به‌عنوان تصویرسازی استفاده کرده‌اند در این اثر نویسنده اساساً به رویکرد قدرت‌سازی رسانه در این مقاله توجه جدی نکرده است. وکیلی و کیوان‌حسینی (۱۴۰۰) در پژوهش «مطالعه مقایسه‌ای راهبرد سیاست خارجی آمریکا از واقع‌گرایی نوآزمایر اوباما به سوی واقع‌گرایی - نرم‌افزارگرایز ترامپ» (Keivan Hoseini and Vakili, 2021: 1-34)، اشاره می‌دارد که در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا

۲۰۲۰ استراتژی‌های قدرت نرم آمریکا دچار تحول پارادایمی از موازنه برون بوم به ناموازنه‌گرایی نرم‌افزارگرایز شد اما نویسنده تاکید می‌کند بر نقش آفرینی قدرت نرم در آینده ندارد. هندریک اونسورگ (۲۰۲۰) در کتاب « قدرت نرم: نیروی‌های جذب‌کننده در روابط بین‌الملل» ( Ohnesorge, 2020: 247)، به این نکته اشاره می‌کند که در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰ استراتژی‌های قدرت نرم آمریکا دچار تغییراتی شده است به طوری که استراتژی نرم‌افزاری آمریکا از فراموازنه به عدم موازنه‌گرایی نرم‌افزارمحور تغییر یافته است اما نویسنده به این مسئله نپرداخته است که اساساً این استراتژی‌های بر چه مبنایی گزینش شده‌اند. جوزف نای (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان « قدرت نرم: تکامل یک مفهوم» (Nay, 2020: 6)، به تکامل مفهومی قدرت نرم می‌پردازد که متنوع‌سازی قدرت نرم‌افزاری می‌تواند توانایی دولت‌ها را در نظم جهانی برای کشمکش‌گری افزایش دهد اما به این نکته نپرداخته است که ابزار تنوع‌سازی چه است. گری راونزلی<sup>۴</sup> (۲۰۲۱) در مقاله‌ی «دسترسی فرهنگی: سینما و قدرت نرم» (Rawnsley, 2020: 19)، بیان می‌کند که ابزار سینما در اشاعه قدرت نرم کشورهایی که قدرت رسانه‌ای بالایی دارند همسویی متوازنی با سیاست خارجی آنان دارد و می‌تواند در نظم‌سازی هژمونیک و دسترسی فرهنگی به جوامع دیگر مثبت عمل نماید اما این اثر به این بحث اشاره‌ای نکرده است که اساساً نظم‌سازی هژمونیک فرهنگی چگونه قابل تحقق است. در انتها باید به این نکته اشاره کرد که نوآوری این پژوهش ارائه خوانشی جدید از مسئله قدرت نرم خواهد بود و این مفهوم را در ارتباط با سیاست خارجی آمریکا یعنی سینمای هالیوود و رجوع به آثار سینمایی به عنوان الگوی نوپدید در عصر پساپاندمی به کار خواهد گرفت.

## ۲- چارچوب نظری

در این بخش از مقاله، تلاش می‌شود، مبانی نظری برای مقاله فراهم آید.

### ۲-۱- قدرت نرم

در تعریف و تبیین قدرت می‌توان بیان نمود که توانایی عملیاتی سازی امور و نفوذ بر دیگران تغییر در جهت تغییر مطلوب در رفتار دیگران از جمله مفاهیم حوزه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها است. امروزه قدرت دچار بسط پارادایمی شده است، به طوری که تغییر رویکرد در مسئله‌ی قدرت و گسترش آن به حوزه‌ها و ابعاد فرا نظامی از مسائل قابل توجه است.

<sup>1</sup> Hendrik W. Ohnesorge

<sup>2</sup> Soft Power: The Forces of Attraction in International Relations

<sup>3</sup> Soft Power: The Evolution of a Concept

<sup>4</sup> Gary Rawnsley

<sup>5</sup> Cultural Outreach: Cinema and Soft Power

به عبارت دیگر، قدرت نرم بر محوریت ایده‌سازی و سبک‌سازی در یک سیستم فرهنگی - هویتی عمل می‌کند و در الگوسازی برای سیاست خارجی مؤثر واقع می‌شود (Ohnesorge, 2020: 2). الگوهای نرم افزارگرایانه قدرت توسط جوزف نای تنویزه گشت و در فهم الگوهای رفتاری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا علی‌الخصوص پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جایگاه نوینی را به خود اختصاص داد. بدین منظور بهره‌برداری از قدرت نرم به منظور اشاعه و بسط رهبری جهانی ایالات متحده آمریکا برای کنشگری هژمونی خیرخواهانه بسط مفهومی پیدا کرد. در تأثیرگذاری قدرت نرم بر رفتار دیگران شیوه‌هایی مانند تهدید، پاداش، جذب و متقاعد ساختن مطابق با آنچه اعمال‌کننده‌ی قدرت انتظار دارد، تفسیر و تحلیل می‌شود (مرادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۰-۱۲۱)؛ (Moradi et al., 2021: 121-120). قدرت نرم اساساً بر رویکردهای نئولیبرالیستی مبتنی است و به مجموعه‌ای از شاخص‌های فرهنگی - اصولی اشاره می‌کند (Ney, 2020: 200)؛ و بر مؤلفه‌هایی مانند ترویج دموکراسی در سطح جهان، گسترش حقوق بشر، اشاعه تفکر اقتصاد بازار، سرمایه‌داری و خاص‌گرایی استوار شده است.

## ۲-۲- قدرت نرم در خوانش اسلکتیویستی؛ نوپدیدگی‌در مفهوم قدرت نرم

این روایت از قدرت نرم در پی تغییر مرزهای فرهنگی جوامع هدف، سلطه بر بازارهای بین‌المللی و کاهش کنشگری گفتمان دیگری در برابر گفتمان خودی است (Layne, 2010: 76). به عبارت دیگر، قدرت نرم در روایت اسلکتیویستی یعنی تقویت سازی گفتمان خودی و تضعیف گفتمان دیگری. به همین دلیل قدرت نرم اسلکتیویستی در پی کاهش هرچه بیشتر قدرت کنشگری رقیب گفتمانی خود در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است، به همین دلیل می‌کوشد با بازنمایی ورودی‌های تخریب‌زا به نوعی، تخریب‌گرایی فرهنگی<sup>۳</sup> را مطمح نظر دارد تا اساساً پروژه جهانی شدن فرهنگی خود را به سرانجام برساند (Lutter, 2015: 100). به عبارت دیگر، خوانش اسلکتیویستی از قدرت نرم را می‌توان در آثار تولیدی هالیوود مشاهده و تبیین کرد. در اکثر این تولیدات دال مرکزی گفتمان خودی، توسعه‌یافتگی، قدرتمند بودن، شکست‌ناپذیر و... است که در مقابل گفتمان رقیب دارای ویژگی‌هایی مانند عامل امنیت‌زدا، خشونت‌طلب، غیرمتمدن، شکست خورده است. بر همین اساس با توجه به چنین روایت سازی از سوی یک نهاد رسانه‌ای قدرتمند که هدف آن کاهش مشروعیت رقیب در بسترهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است؛ درصدد جایگزین سازی هویت لیبرال دموکراسی غربی (گفتمان بازنمایی شده خودی) است و به همین دلیل از ابزار سینما در پی تأمین این منافع استفاده می‌کند چون اساساً قدرت رسانه‌ای توانایی جذب

۱. از جمله مفاهیم حوزه رسانه است که به معنای انتخاب‌گری یک گفتمان خاص برای مقابله با گفتمان رقیب می‌باشد.

۲. Emergence

۳. Culture Vandalism

مخاطب و اثرگذاری مؤثرتر بر بازارهای جهانی را دارد و می‌تواند بر برندسازی گفتمانی کمک فراوانی کند (Rough, 2019: 101-109). به‌طور کلی، دولت‌هایی که از توانایی و دانش رسانه‌ای بالایی برخوردار هستند اساساً درصدد قدرت‌سازی و گفتمان‌سازی رسانه‌ای حرکت می‌کنند که این مسئله می‌تواند بر مشروعیت‌افزایی گفتمانی آن‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیفزاید تا به‌نوعی بر قدرت اثرگذاری جهانی آن‌ها افزوده گردد و چتر هژمون‌طلبی آنان گسترده شود (اعجازی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۹-۲۷)؛ (Ejazi et al., 2020: 27-29). اساساً یکی از مراحل فنی در تولیدات سینمایی، تقطیع است که از جمله مراحل فنی یک اثر محسوب می‌شود. فارغ از مباحث فنی، تقطیع‌سازی نوعی ارتباط تولیدکننده اثر با کلان روایت‌هایی است که از قبل در ذهن او مفصل‌بندی شده است. به‌واسطه‌ی این امر تولیدکننده‌ی اثر با روایت‌هایی که می‌تواند ریشه در مسائل فرهنگی، هویتی، سیاسی - اجتماعی، امنیتی و حاکمیتی داشته باشد به اثر تولیدی جهت می‌دهد و میزانی از جدایی را میان فرهنگ خودی و دیگری ترسیم می‌نماید. به‌طور مثال، در بسیاری از آثار تولیدشده هالیوود که درصدد تنزل گفتمانی رقیب هستند، تولیدکننده‌ی اثر با روایت‌های سیاسی - حاکمیتی درگیر شده است و این کلان روایت‌ها به‌نوعی تقطیع‌سازی گفتمانی است که مسیر روایتی آن را مشخص می‌کند و به‌نوعی به آن محتوای تولیدشده رنگ و بوی ایدئولوژیکی - هویتی و سیاسی می‌بخشد که در راستای روایت‌های حاکمیتی است.

رسانه‌های جمعی اساساً منجر به توسعه ایدئولوژی حاکمیت مطبوع خود می‌شوند و درصدد بسط و اشاعه فرامرزی آن است در همین جهت واتکینز بیان می‌دارد «رسانه‌های جمعی مانند سینما از طریق تحمیل استراتژی‌های رسانه‌ای خود، سلطه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را گسترش می‌دهند و با توجه به کنش‌ورزی اسلکتیویستی، قدرت نرم سلطه‌جویانه را در جوامع هدف بسط می‌دهند» (Watkins, 2015: 6-7)، هدفی که اساساً در راستای به حاشیه راندن گفتمان رقیب و بسترساز سلطه و تقطیع‌سازی فرهنگی می‌شود. به‌بیان‌دیگر، در حاکمیت جهانی صنایع فرهنگی به‌عنوان متغیر شکل‌دهنده به روابط قدرت به حساب می‌آید. اساساً صنعت فیلم‌سازی این اجازه را به دولت - کشورها می‌دهد تا در کنش‌ورزی جهانی خود برای تقویت نفوذ بین‌المللی و تأثیرگذاری بر نقاط هدف استراتژیک و بازارهای جهانی استفاده کنند تا به یک وضعیت فعال و پایدار در نظم سیستمی - فرهنگی برسند.

### ۳-۲- روایت اسلکتیویسم در پدیدارسازی قدرت نرم

ارتباطات رسانه‌ای نقش مهمی را در ساخت نظم‌های سیاسی - فرهنگی و اجتماعی دارد و اصولاً چنین دیالکتیک ارتباطی می‌تواند در به حاشیه بردن و برجسته‌سازی الگوهای فرهنگی موثر باشد. بسیاری از جامعه‌شناسان حوزه هنر، سینما و سیاست معتقدند که دیپلماسی رسانه‌ای توسط

1. Decoupage

2. Decoupage-Building

کشورهایی که دارای سبک و قدرت هستند از جمله آمریکا، می‌تواند در پردازش و ساخت گفتمان مورد نظر حاکمیت عمل نماید؛ به طوری که با عطف به رویکرد بازتاب ایده‌های فرهنگی در کنش‌گری که منبعث از بافتار اجتماعی - فرهنگی یک کشور است در بسترهای پربازده رسانه‌ای به عنوان یک گفتمان وارد می‌شود و در نظام رسانه‌ای با تغییراتی ساختاری، برای اشاعه به خارج از مرزها تدوین می‌گردد (Lee, 2020: 17-23). ساخت و تدوین چنین گفتمان‌هایی که اثرپذیر از بافتار و ساختار اجتماعی - سیاسی هستند در لایه‌های پنهانی و روایت‌پردازی که دارند درصدد به حاشیه‌بردن گفتمان‌های رقیب و برجسته‌سازی، طبیعی‌سازی و بازتولید خود به عنوان ساخت غالب می‌باشند که اساساً چنین پروسه‌ای را اسلکتیویسم اجتماعی - سیاسی در جهت بازتولید قدرت می‌نامند. از دیگر ویژگی‌های قدرت نرم در خوانش اسلکتیویسم و با تاکید سینما، ساخت اثر هنری در بافتار یک نظم اجتماعی - سیاسی است. چنین ساختی می‌تواند به تدریج در هژمونی‌سازی گفتمان مورد تاکید «عامل» و به حاشیه‌راندن تفکر و گفتمان «رقیب»، منجر شود که این فرآیند را می‌توان ساخت‌دهی قدرت نرم نامید (Cammaerts, 2015: 1026- 1029). فرضیه اصلی الگوی قدرت نرم اسلکتیویستی آن است که خلاقیت محتوایی در آثار تولید شده و تقویت‌سازی آثار متناسب با کنش‌گری دولت در نظام بین‌الملل می‌تواند در حفظ یکپارچگی گفتمان خودی به عنوان یک سازه غالب کمک کند و این ساخت در یک رابطه منطقی با تفکر حاکمیتی قرار می‌گیرد که همسویی این تولیدات رسانه‌ای - سینمایی با الگوی کنش‌ورزی در سیاست خارجی و حفظ مراتب قدرت نرم، جهان‌سازی نوین را موجب می‌شود و نهایتاً تداوم چنین موجب رگرسیون‌سازی مثبت<sup>۳</sup> یعنی بازگشت به قدرت را فراهم می‌آورد. از جمله مفاهیم قابل تبیین در این گونه آثار تولید شده سینمایی که به عنوان ابزار اشاعه قدرت نرم هستند می‌توان به «جهان‌نگری»<sup>۴</sup> و «فرد استثنایی»<sup>۵</sup> اشاره کرد. این مفاهیم بدین معنا است که تولیدات سینمایی با بازنمایی ویژگی‌هایی از بافتار و ساختار فرهنگی، هویتی، سیاسی و ایدئولوژیک خود، جهان‌نگری و استثنایی بودن را به عنوان یک قابلیت برجسته نشان می‌دهند.

الگوی اسلکتیویستی از قدرت نرم در ادبیات رسانه‌ای هم راستای ساخت‌گرایی تکوینی است؛ به این معنا که اشاعه جهان‌بینی‌های سیاسی - اجتماعی و فرهنگی توسط سیستم رسانه‌ای مانند سینما باید به بازتولید قدرت نرم کمک نماید و در انسجام‌بخشی میان رهیافت‌های سیاسی و رویکردهای

<sup>1</sup>. Slacktivism

<sup>2</sup>. Soft Power Structuration

<sup>3</sup>. Regression Building Positive (RBP)

<sup>4</sup>. World Vision

<sup>5</sup>. Exception individual

<sup>6</sup>. Genetic Structuralism

فرهنگی موثر باشد که این انسجام درونی، نمایش دهنده‌ی یک نوع از مدل حکمرانی در دوره‌ای جدید است یعنی عاملیت معطوف به کنش که اساساً دولت است به تغییر رویکرد و بازیابی قدرت نرم از دست رفته می‌پردازد. همین مسئله باعث گسترش قدرت نرم اسلکتیویستی شده است و اصل اساسی در چنین مدلی آن است که با ارائه بدیل‌های جایگزین ساز یک نظم و ساختار جدید و آینده‌ای بهتر در تولیدات رسانه‌ای - سینمایی بازگو شود و احیا قدرت نرم در دستور کار قرار گیرد. فریمن<sup>۱</sup> در ارتباط با این مسئله بیان می‌دارد که «هدف از اعمال چنین رفتاری در الگوی قدرت نرم توسط یک کشور سوق دادن گفتمان مدنظر خود در نظام جهانی است، که این فعالیت می‌تواند در بستر رسانه‌هایی مانند: سینما با تولید فیلم‌هایی که فروش گیشه بین‌المللی دارند به بازتولید دوباره اثرگذاری آن کشور و پذیرش بین‌المللی آنان کمک نماید» (Foreman, 2018: 1995). این نکته قابل بیان است که قدرت نرم اسلکتیویستی کنشی در راستای قدرت سازی و تقابل معنی‌دار با گفتمان غیر خودی که داعیه جهانی سازی دارد است. چنین فعالیتی یک ژست تکانشی در راستای یک هدف خاص سیاسی است مانند: هدف آمریکا در پس‌پاندمی که بازیابی رهبری است معنا می‌یابد؛ یعنی این کنش و عملکرد توسط یک دولت جهت بازتولید قدرت نرم‌افزاری به شیوه جدید است که در راستای امنیت هستی‌شناختی و نوپدیدگی در قدرت نرم است.

به‌طور کلی، قدرت نرم در خوانش اسلکتیویستی، برخوردار از روایت‌سازی راهبردی است، به این معنا که با استفاده از ابزارها و مؤلفه‌های پیشران قدرت نرم، نفوذ بین‌المللی، مشروعیت‌زایی فرا منطقه‌ای به‌واسطه‌ی روایت‌سازی‌های رسانه‌ای صورت می‌گیرد و به دیپلماسی روایی تبدیل می‌شود (Seib, 2012: 98). به بیان دیگر، در این مسیر روایت‌های پردازش شده توسط گفتمان خودی، موجب روایت‌سازی‌های تقابل جویانه و کاهش سطح مشروعیت گفتمان رقیب در نظم فرهنگی - اجتماعی جهانی می‌شود. اساساً روایت‌سازی راهبردی در پرتو قدرت نرم اسلکتیویستی به منظور اقیانوس‌سازی عمومی و ائتلاف‌سازی‌ها علیه گفتمان رقیب را مدنظر قرار می‌دهد که به نوعی می‌تواند این کنش‌ورزی نرم‌افزارانه به اکوسیستم ارتباطی جدید در نظم فرهنگی - سیاسی بین‌المللی بدل شود. به‌طور کلی، روایت‌سازی راهبردی - رسانه‌ای می‌تواند منجر به افزایش قدرت سیاسی عاملیت آن و تسخیر بازارهای جهانی به منظور شکل‌یابی نظم جدید فرهنگی شود (Ney, 2019: 10). روایت‌سازی راهبردی در کنشگری رسانه‌ای خود بر سه محور استوار شده است: (۱) روایت‌های فرامنطقه‌ای (بین‌المللی)، (۲) روایت‌سازی هویتی و (۳) روایت‌سازی مسئله‌محور. در مورد اول، نظم موجود بر نظام بین‌الملل و نوع روایت و گفتمان حاکم بر آن ساخت‌یابی و بازنمایی می‌شود. به عنوان نمونه در گفتمان ایالات متحده آمریکا، تروریسم و مبارزه با آن، گسترش ایده‌های سرمایه‌دارانه و لیبرال دموکرات از مبانی سازنده این نوع روایت‌سازی به حساب می‌آید که با شبکه‌سازی آن در حوزه رسانه در بستر هالیوود بازنمایی می‌شود (ژادبهرام و دیگران، ۱۴۰۰:

<sup>۱</sup>. Foreman

۲۲۹)؛ (Nejadbahram et al, 2021: 229). در مورد دوم که روایت‌سازی از هویت است، کنشگر سیاسی هویت‌های مطلوب خود را به عنوان یک ارزش متعالی بسط و توصیف می‌کنند مانند هویت‌سازی آمریکا بر محور هویت آمریکایی، هویت صلح‌طلبانه، هویت متمدن و توسعه‌یافته و... را به عنوان امتیاز هویتی خاص مورد توجه و بازنمایی قرار می‌دهد (Miskimmon, 2017: 4). سومین مورد که روایت‌سازی مسئله‌محور است درصدد آن است تا تنش‌های خاص را توصیف و راه‌حل‌هایی متناسب با آن تدوین نماید. به‌طور کلی، روایت‌سازی راهبردی به عنوان یک مؤلفه کارآمد با عطف به کنش‌ورزی رسانه‌ای به وسیله رسانه‌هایی قوی مانند (سینما)، با تلفیق جذابیت بصری و اقناع‌سازی عمومی می‌تواند کارکردی دوگانه داشته باشد، یعنی درصدد پذیرش گفتمان خود در خارج و مقابله با گفتمان دیگری است و قدرت نرم خود را برای تشکیل یک اکوسیستم ارتباطی جدید و نوین به وجود خواهد می‌آورد.



شکل ۱. شماتیک قدرت نرم در دیالکتیک روایت‌ساز

Figure 1. Schematic of Soft Power in the Dialectic Narrative Maker

Source: (Writers, 2021)

به‌طور کلی، کشورها ممکن است نتایج موردنظر خود را در سیاست جهانی به طرق مختلف به دست آورند. رسانه با واردسازی نشانگان خود به عرصه‌ی سیاست و ارتباط همبسته حوزه سیاسی و رسانه بسترهای شبکه‌محور را در جهت تعیین‌کنندگی فرآیندها، پیام‌ها و نتایج تدوین می‌کند تا به نوعی اهداف کارگزار سیاسی در محیط رسانه‌ای بازنمایی و گاه‌تأمین شود (Rugh, 2019: 34-37). در این راستا رسانه را می‌توان به عنوان یک کنش و سیستم سیاسی قلمداد کرد، بستری که ناظر بر رابطه‌ی قدرت، حاکمیت و فرهنگ است و به‌نوعی این رسانه نقش کاربردی در کنترل باورهای اجتماعی دارند. اساساً یکی از استراتژی‌های ارتباط میان رسانه و کنش‌مندی آن در حوزه سیاست خارجی، استراتژی اسپین است<sup>۱</sup>. این استراتژی به این معنا است که دولت‌ها با اتخاذ تصمیماتی هوشمندانه در بستر سیاست خارجی، اعمال قدرت بهتر و موثرتر را در حوزه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به عنوان یک دستگاه تسهیل‌گر استفاده می‌کنند و اساساً به سمت استراتژی‌های رسانه‌ای چرخش راهبردی پیدا می‌کنند (Szymanski, 2020: 83-90). در این راهبرد، دولت‌ها با همراهی رسانه‌های قدرتمند به گفتمان‌سازی و قدرت‌سازی در محیط کنشگری خود اقدام می‌کنند و به‌نوعی گفتمان «دیگری» را به حاشیه می‌برد.

<sup>۱</sup>. Spin Strategic



### ۳-۲-۱- نو‌پدیدگی در قدرت نرم؛ الگویی نوین به منظور بازیابی و تثبیت هژمونی

توسعه بین‌المللی فرهنگ و هویت خودی به عنوان یک گفتمان جایگزین در جهت امنیت‌سازی جهانی و تثبیت هژمونی بین‌المللی مسیری برای اعمال نفوذ از دریچه‌ی قدرت نرم‌افزاری است. نو‌پدیدگی قدرت نرم یعنی استفاده یک واحد سیاسی از مؤلفه‌های فرهنگی - هویتی، رسانه‌ای، اجتماعی و اقتصادی خود در سیستم بین‌المللی که تحت عنوان مجذوب‌کننده‌های ایدئولوژیکی - هویتی است. با بازنمایی چنین نشانگانی نظم آشوب‌محور جهانی را به سمت هدایت و تثبیت نظم هژمونیک به رهبری خود می‌کشاند و بسترهای پذیرش بین‌المللی خود را به واسطه‌ی الگوهای رفتاری نوین به وجود می‌آورد (Bojala et.al., 2020: 120). قدرت‌های بزرگ از طریق اعمال یک رویکرد جدید مبتنی بر «قدرت هنجارگذار»<sup>۱</sup> توانایی شکل دادن به نظم بین‌المللی را از دریچه‌ی مسائل فرهنگی، هویتی، اجتماعی به دست می‌آورند و به‌نوعی به الگو سازی و قدرت‌سازی در نظام بین‌الملل می‌پردازند. به‌طور کلی، سیستم و نظم بین‌المللی به واسطه ورود متغیرهای مختلف همواره در آشوب‌های سیستمی بوده است بر همین اساس قدرت‌های بین‌المللی مانند ایالات متحده آمریکا در صدد نو‌پدیدگی ساختاری بر محور الگوهای نو‌پدید در مدل‌های رفتاری خود است. به این معنا که این کشور ضمن شناسایی نظم آشوب‌زا با متغیرهای درگیر ساز راه‌حل‌های مقابله با آن را تدوین می‌نماید تا در این آشوب‌های ساختاری کارکردی مناسب از خود نشان دهد و بتواند به نظم‌سازی جدید برای تغییری ساختاری بپردازد. این مهم اساساً به‌وسیله رویکردهای تغییرمحور یعنی اعمال سیاست‌های چندجانبه‌گرایی راهبردی، زمان‌مندسازی فرایندهای تثبیت قدرت در حوزه ژئوکالچری در پرتو قدرت رابطه‌ای به دست می‌آید (کیوان‌حسینی، ۱۴۰۰: ۷۱)؛ (Keivan Hosseiny, 2021: 71) و نهایتاً منجر به نو‌پدیدگی در قدرت نرم و بازیابی آن می‌گردد.

به‌عبارت‌دیگر، نو‌پدیدگی ساختاری که شامل نظم‌سازی با رهبری جدید است، می‌تواند الگوهای رفتاری جدیدی را هم ایجاد نماید که به نو‌پدیدگی کنشگری رفتاری معروف خواهد شد. اساساً این مدل با عطف به مسائل فرهنگی و گفتمان‌های هویتی و بازنمایی آن در سیستم‌های جمعی قابل بسط است؛ بدین معنا که سازه‌هایی مانند رسانه با توجه به تکثر رفتاری خود این گفتمان را بازتولید می‌کند و ضمن درک اهداف سیستم‌سیاسی، آنان را به‌عنوان دینامیک قدرت نرم اشاعه و بسط می‌دهد. به‌بیان‌دیگر، این خوانش از قدرت نرم در پی مواجهه جدی و راهبردی با آشفتگی<sup>۲</sup> سیستمی در نظام بین‌الملل است که می‌تواند منجر به رشد روندهای اعمال سیکل قدرت نرم و گذار از وضعیت عدم تعادل به وضعیت تعادل شود، به همین دلیل دولت‌ها با تقویت سازوکارهای بازخورانی مثبت خود که می‌تواند در بستر رسانه تقویت گردد شرایط نو‌پدیدگی قدرت نرم را به

۱. Normative Power

۲. Entropy

وجود آورد. اساساً در این مرحله ضمن انباشت و بازاندیشی در الگوهای اعمال قدرت نرم، عامل (کارگزار) درصدد شکل‌دهی به نظم نوین موردنظر خود خواهد بود که با افزایش و متعادل‌سازی قدرت، نوپدیدگی در امر قدرت نرم را در سیستم بین‌المللی با عطف به ابزارهای رسانه‌ای ایجاد خواهد کرد.

نوپدیدگی قدرت نرم می‌تواند، تئوری قدرت - وابستگی را در میان کنشگری بازیگران بین‌المللی به وجود آورد. به این معنا که کشور اعمال‌گر با توجه به چنین رویکردی به قدرت‌سازی فرهنگی روی می‌آورد و با برجسته‌سازی و خوشه‌سازی فرهنگی از هویت و ایدئولوژی خود بسترهایی برای پذیرش آن‌ها در نقاط هدف استراتژیک می‌یابد به همین دلیل آن نقاط به محض مواجهه با چنین بازخورانی آن را مورد پذیرش قرار می‌دهند و همواره خود را وابسته و نزدیک به آن می‌بیند که این رویکرد به‌نوعی پیوند بین قدرت و وابستگی در نظم بین‌المللی خواهد بود (Balzacq et al., 2020: 321). به‌طور کلی، نوپدیدگی قدرت نرم ایالات متحده در دوران جدید بر مبنای مدل «سلسله مراتبی» خواهد بود. این مدل به این معناست که ضمن توجه به تنوع در سیستم‌های جهانی راهی برای یکپارچه‌سازی فرهنگی و پیوند ارتباطی با گفتمان مدنظر آمریکا به وجود می‌آید تا به هماهنگ‌سازی کنشگری‌ها پردازد. نوپدیدگی قدرت نرم و ارتباط آن با سینما می‌تواند منجر به بازتولید هویت شود، یعنی این مسئله توانایی کاهش فواصل زمانی - مکانی، حرکت سریع ایده‌ها، باورها و برخوردهای فرهنگی را دارد.

### ۳- هالیوود و سیاست خارجی آمریکا؛ چشم‌انداز ارتباطی از منظر تاریخی

از اواخر دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی فرانکلین روزولت به عنوان رهبر آمریکا متوجه این مسئله شد که برای مشروعیت‌سازی به سیاست خارجی آمریکا نیاز مبرمی به قدرت رسانه‌ای هالیوود برای اشاعه سیاست‌های دولت مطبوع خود دارا است و به نوعی مسیری برای روان‌سازی سیاست خارجی آنان در حوزه بین‌المللی بوده است (دعاگویان، ۱۳۹۹: ۱۱۹-۱۱۷)؛ (Doagooyan, 2020: 117-119). اساساً ساخت آثاری که بتواند قدرت نظامی آمریکا را در فیلم‌ها مورد بازنمایی قرار دهد از جمله مسیرهای تعریف شده برای پیوند ارتباطی بین سیاست خارجی آمریکا و سینمای هالیوود به عنوان یک متغیر تسهیل‌ساز بوده است. به بیان دیگر، در دهه ۱۹۳۰ تولیدات هالیوودی آن قدر به سوی جنگ‌طلبی و مشی مبارزه‌ای روی آوردند تا بتوانند هم‌راستای سیاست‌گذاری خارجی آمریکا هم قدم باشند از جمله فیلم‌های این دهه و سال‌های ۱۹۴۰ به بعد می‌توان به آثاری مانند: جزیره ویک (۱۹۴۲)، مقصد توکیو (۱۹۴۳) اشاره کرد که بر تکرارگری فرهنگی آمریکا در سیاست

<sup>1</sup>. WakeIsland

<sup>2</sup>. Destination Tokyo

خارجی و تنوع الگوهای رفتاری آن تاکید دارد. در دوران جنگ سرد هم آمریکا با ساخت آثاری مانند: حکومت نظامی (۱۹۷۲) از ضرورت مقابله با دیگری ایدئولوژیک خود یعنی کمونیسم پرده برداری می کند؛ و یا در دهه ۲۰۰۰ میلادی با تولیداتی چون جان سخت (۲۰۱۳) از مقابله با تروریسم شرقی با تاکید بر سیاست خارجی آمریکا رونمایی کرده است. با توجه به این چشم انداز تاریخی از ارتباط میان هالیوود و سیاست خارجی آمریکا در ادامه به پیوند رسانه و سیاست اشاره خواهد شد.

#### ۴- استراتژی‌های بقای هالیوود در پسا کرونا؛ الگوی بازتولید قدرت نرم

از جمله استراتژی‌های سیاست خارجی آمریکا در دوران جدید و با تاکید بر ابزار رسانه‌ای هالیوود، تاکید بر مولفه‌هایی چون عدالت، برابری، چندجانبه گرایی، هویت‌سازی، مقابله جمعی در برابر تهدیدات خواهد بود. به باور تیم سیاست خارجی آمریکا، قدرت نرم این کشور به واسطه گزینش راهبردهای نامناسب در دوران دونالد ترامپ و عدم توجه به ارزش‌های لیبرال دموکراسی، تکثرگرایی فرهنگی و حقوق بشر رو به افول گذاشته است. با توجه به این نکته، راهبرد و استراتژی بقای آمریکا در سیستم جهانی استفاده هوشمندانه از پیشران‌های قدرت‌ساز مانند هالیوود در پساپاندمی خواهد بود. در همین خصوص لوکان گودفری اشاره می کند که «با توجه به همه گیر کرونا و تضعیف بخشی از توان رسانه‌ای آمریکا و خلل در قدرت نرم این کشور، آمریکا در پساپاندمی برای چهره‌سازی جدید از قدرت نرم خود با تاکید بر نقش بی‌بدیل هالیوود کنشگری خواهد کرد» (Godfrey, 2020). با توجه به این نکته آثار تولید شده هالیوود در پساپاندمی ضمن توجه به بازیابی قدرت نرم جهانی آمریکا این مفهوم را بازنمایی خواهند که رقیب این کشور از شیوه‌های غیرانسانی برای قدرت‌سازی استفاده کرده است به همین منظور، آمریکا برای مقابله با چنین وضعیتی خود را به عنوان یک الگوی بدیل ساز معرفی خواهد کرد. از جمله مصادیق هالیوود و سیاست خارجی آمریکا در عصر پساپاندمی به منظور احیا قدرت نرم می توان به دو محور یعنی (۱) دیالکتیک نظم‌سازی که شامل: الف) امنیت‌سازی، ب) از بین بردن مولفه‌های آشوب‌زای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی، ج) چندجانبه گرایی و همچنین ۲) الگو بخشی فرهنگی - اجتماعی که در برگیرنده‌ی: الف) تصویرسازی از آمریکا به عنوان یک نمونه مطلوب، ب) تلاش برای شکل دهی فرهنگی به جهان و ج) هویت‌سازی جمعی اشاره داشت.

به بیان دیگر، قدرت نرم آمریکا در پساپاندمی به سوی معماری امنیتی و تغییر هوشمند چهره بین‌المللی گذار پیدا خواهد کرد، به طوری که در بسیاری از آثار تولیدی هالیوود در بطن روایتی

<sup>1</sup>. State of Siege

<sup>2</sup>. Die Hard(5)

<sup>3</sup>. Lucan Godfrey

آنان ارزش‌های آمریکایی، صلح‌سازی، امنیت‌هستی‌شناسانه، دیپلماسی، هویت‌سازی و مدیریت مطلوب آمریکایی و مفاهیم نوپدیدي مانند: اقتصاد دیجیتال در جهت سیستم‌سازی جهانی مورد توجه هالیوود و راهبردهای سیاست‌خارجی نرم‌افزاری آمریکا است (Ivanovo, 2020: 58-59). به‌طور کلی، استراتژی جدید آمریکا در پسا کرونا سازش ژئوپلیتیکی خواهد بود. این راهبرد بدین معنا است که آمریکا با یک الگوی فناورانه و گذر از منطق سرزمینی به رهیافت دیجیتالی و همچنین استفاده از ابزارهای قدرتمندی چون هالیوود، چندجانبه‌گرایی، همراهی با متحدان را برای مقابله با تهدیدات در پیش خواهد گرفت. اساساً از مصادیق و استراتژی‌های سه‌گانه آمریکا - سیاست‌خارجی و هالیوود به عنوان یک مثلث ارتباطی می‌توان الگوی کنش‌گری آمریکا و هالیوود را بر محور قطبیت، امنیت و رهبری تعریف کرد. قطبیت یعنی آمریکا و هالیوود برای اعمال یک سیاست‌خارجی بین‌المللی ایفای نقش‌های جدید را تعریف خواهند کرد نقش‌هایی که در قالب‌های هویتی است. امنیت بدین معنا که آمریکا در نظام بین‌الملل جدید دولت امنیت‌سازی، و نظم‌ساز است و مولفه‌ی رهبری یعنی ایالات متحده با استفاده از رویکرد چندجانبه‌گرایی جهان را برای گذار از مشکلات مدیریت خواهد کرد.

#### ۴-۱- بررسی آثار تولید شده هالیوود برای بازتولید قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا

بسیاری از آثار تولیدی هالیوود در سال ۲۰۲۱ بیان‌کننده‌ی این نکته هستند که الگوهای سیاست‌خارجی آمریکا درصدد بازتولید قدرت نرم این کشور در سطح بین‌المللی هستند به همین منظور در ذیل به تعدادی از این آثار اشاره می‌شود.

۱- فیلم یک مکان ساکت:<sup>۵</sup> در این اثر که اساساً در ژانر آخرالزمانی جای می‌گیرد توجه به امنیت فناورانه به عنوان یک ضرورت راهبردی برای ایالات متحده در نظم جهانی مدنظر است و به عبارتی در کلان روایت این اثر از قدرت مدیریتی آمریکا به عنوان یک ضرورت جهانی رونمایی می‌شود به بیان دیگر این اثر تولید شده انطباق میان حوزه سیاست‌گذاری و سیاست‌در آمریکا به عنوان نمونه مطلوب حکمرانی جهانی است.

۲- فیلم کسانی که آرزو دارند من بمیرم:<sup>۷</sup> در این فیلم توانایی آمریکا در شکل‌بخشی به ترجیح‌ها و باورهای دیگران از راه اقناع بازنمایی می‌شود. در لایه‌های پنهانی این اثر راهبردهایی از

<sup>1</sup>. Geopolitical Compromises

<sup>2</sup>. Polarity

<sup>3</sup>. Security

<sup>4</sup>. Leadership

<sup>5</sup>. A Quiet Place Part II (2021)

<sup>6</sup>. Policy and Politic

<sup>7</sup>. Those who wish me Dead (2021)

سیاست خارجی آمریکا قابل فهم است به طوری که این مفهوم را بازگویه می‌کند که قدرت ساختاری به خود فهمی دیگران و نظام تفسیری آنان از طریق ارزش‌سازی و تامین منافع همگانی بستگی دارد بنابراین این کنش‌ورزی تعیین‌کننده‌ی چارچوب قدرت در آینده است. در همین راستا، مایکل بارنت و ریموند دوال<sup>۱</sup> بیان می‌دارند « جذابیت‌های ارزشی و ایمازهای فرهنگی آمریکا توسط هالیوود به عنوان یک برساخته اجتماعی محسوب می‌شود و در قدرت‌سازی بین‌المللی این کشور نقش پررنگی دارد » (Dienstag, 2020: 81-86). این گفته بدان معنا است که راهبرد بازتولید قدرت نرم اساساً بر هویت اجتماعی و بین‌المللی‌سازی آن استوار است که می‌بایست در پساپاندمی این رهیافت هم‌راستای اصول سیاست خارجی به پیش رود.

۳- فیلم *یهودا و مسیح سیاه*:<sup>۲</sup> در این اثر آمریکا در صدد فرهنگ‌سازی جهانی بر مبنای تعامل فرهنگی و ایجاد یک مثلث پایدار فرهنگی که شامل: پذیرش تنوع فرهنگی، توجه به ساختارهای بین‌الذهانی و ساخت یک نظم جهانی پایدار است می‌پردازد. در این فیلم می‌توان این نکته را بازفهمی کرد که چنین برساختی از هویت آمریکا، هم‌افزایی ساختارهای ایماژی - فرهنگی برای ساختن روابط متقابل ساختار - کارگذار در سطح بین‌المللی است یعنی روش اعمال قدرت به طور غیر مستقیم یا رفتار متقاعدکننده‌ی قدرت مدنظر است و این کشور به عنوان کارگزاران انتقال فرهنگی، پذیرش تنوع فرهنگی بازنمایی نشان داده می‌شود تا به نوعی بستر ساز پذیرش بین‌المللی این کشور را به عنوان مهد تنوع فرهنگی و پذیرش فرهنگ‌های مختلف باشد.

۴- فیلم *ماهی کوچک*:<sup>۳</sup> در این اثر سینمایی، کلان روایت فیلم این نکته را بیان می‌دارد که امنیت انسانی به مثابه غایت نهایی آمریکا در نظام بین‌الملل است به همین منظور این کشور با پیوند بین امر پزشکی و امر سیاست، راهبرد *هتروتوپیک* شدن نظم جهانی را به واسطه‌ی تغییرات نظام بین‌الملل در پرتو بیماری‌های همه‌گیر برای گذار از چنین وضعیتی دنبال می‌کند. این ناموزن شدن به این معناست که امر موجود و امر بین‌الملل برای احیای کنش جمعی موثر و حفاظت از انسان‌ها در دستور کار آمریکا است. به عبارت دیگر روایت این اثر سینمایی اساساً در قالب ساخت‌یابی اسلکتیویستی مفصل‌بندی شده است و در پی بازنمایی متفاوت آمریکا در پساپاندمی و همچنین به حاشیه بردن رقبای بین‌المللی آمریکا است.

۵- *خارج از حصار*:<sup>۴</sup> در فهم روایت‌سازی فیلم فوق می‌توان این نکته را بازنمایی کرد که نظم‌سازی جهانی بدیل‌محور و امکان‌شدن یک وضعیت به رهبری یک قدرت خاص و مدیریت

<sup>1</sup>. Michael Barnett & Raymond Dual

<sup>2</sup>. Judas and Black Messiah (2021)

<sup>3</sup>. Power Behavior Indirect or Co-optive

<sup>4</sup>. Little Fish (2021)

<sup>5</sup>. Out Side the Wire (2021)

بین‌المللی آن کشور که اساساً آمریکا است جز الزامات سیستم جهانی در پسا پاندمی خواهد بود. به این معنا که آمریکا با توجه به قدرت‌سازی نوپدید در بخش‌هایی مانند هوش مصنوعی، علم کوانتوم و اقتصاد دیجیتال، صلح‌پایدار را در جهان برای ژئوپلیتیک‌سازی دنبال خواهد کرد. به عبارتی دیگر خوانش و روایت‌سازی این اثر بر محور رویکرد واقع‌گرایی مترقی است به این معنا که تدبیر و تغییر در جهان اساساً باید از طریق اعمال قدرت و اراده‌ی آرمان‌آمریکایی باشد.

در بسیاری از این آثار نام برده شده آمریکا در پی ژئوپلیتیک‌سازی جهان‌گرایانه به عنوان سیکل فرهنگی بازتولید قدرت نرم است و به عنوان یک سیستم کنترلی در ساخت یک نظم فرهنگی جدید موثر باشد و برساخت‌یابی یک گفتمان هژمون کمک فراوان کند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۲۱)؛ (Ghasemi, 2013: 121). نیروهای ژرف فرهنگی به‌عنوان سیکل قدرت نرم در شکل‌یابی به فرآیندهای متمایزسازی یعنی جدایی بین فرهنگ «خود» و «دیگری» می‌انجامد که به‌نوعی این فرآیند خوانشی اسلکتیویستی از قدرت نرم خواهد بود. ایالات‌متحده آمریکا همواره فرهنگ خود را به عنوان بستر اشاعه قدرت نرم در سیستم بین‌المللی پیگیری کرده است و با ابزارهای نوینی مانند رسانه فرآیند دگرسازی و متمایزسازی را در بسترهای پیرامونی و فراپیرامونی به پیش برده است (Surowiec and Manor, 2021: 10-15). این سیکل فرهنگی به‌نوعی می‌تواند ضمن زوال دیگری بستر ظهور یک فرهنگ جدید را به وجود آورد که نهایتاً بر اثرگذاری قدرت نرم کشور مبدع آن می‌افزاید. آمریکا با استفاده از هالیوود، حوزه نفوذ استراتژیک خود را گسترش می‌دهد تا بتواند در عرصه‌ی سیاست خارجی موفق‌تر عمل نماید (Rawnsley, 2021: 188). به طور خلاصه، هالیوود با تاکید بر رویکردهای ذهنیت‌گرایانه‌آ را در قالب‌های ابژه شده برای دسترسی فرهنگی به جوامع دیگر را ایجاد می‌کند و التقاط فکری - فرهنگی را در محور مسئله‌سازی برای پذیرش خود به وجود می‌آورد تا با پیوند زبان فرهنگی و زبان سیاسی پروژه هژمونیک‌سازی خود را به پیش ببرند.

#### ۲-۴- هالیوود در پسا پاندمی؛ کنشگری برای بازتولید «قدرت نرم» و امنیت هستی‌شناسانه

همه‌گیری کرونا در سیستم بین‌المللی به عنوان یک مؤلفه آشوب‌زا تمامی بسترهای جهانی از حوزه فرهنگ تا اجتماع را در بر گرفت. یکی از بخش‌هایی که به واسطه‌ی پاندمی کووید-۱۹ دچار تعارضات شدید شد حوزه فرهنگی کشورها به عنوان نیروی ژرف قدرت نرم است و یکی از کشورهایی که به دلیل این همه‌گیری در حوزه فرهنگ و رسانه تأثیرات مخربی داشته است، ایالات متحده آمریکا است به همین منظور هال و پاسکوینی بیان می‌دارند که «گسترش پاندمی کووید-۱۹ و اثر مخرب این متغیر آشوب‌زا به سیستم تصمیم‌گیری جهانی عملاً بخش فرهنگ و رسانه در

<sup>1</sup>. Progressive Realism

<sup>2</sup>. Subjectivism

<sup>3</sup>. Hall and Pasquini

آمریکا دچار گسست کرد» (Hall and Pasquini, 2020). همانطور که بیان شد رسانه‌های جمعی در حوزه سیاست آمریکا در رابطه‌ای همبسته بوده‌اند، به طوری که آمریکا با استفاده از قدرت رسانه‌هایی مانند هالیوود و همراه‌سازی این نهاد با حاکمیت در پیشبرد قدرت نرم فرهنگی خود استفاده برده است. اما با پدیدار شدن کوید ۱۹ تولید، توزیع و مصرف فیلم‌های هالیوود روبه کاهش گذاشته و به همین دلیل از ضریب تأثیرگذاری قدرت نرم آمریکا در سطح جهانی کاسته شده است. برای ایالات متحده آمریکا ضرورت دارد در پساپاندمی در جهت بازتولید قدرت نرم تعریفی جدید از محیط راهبردی ارائه دهد. این محیط راهبردی، ساختار نظام بین‌الملل، الگوهای نظم‌دهنده و نوع هویت‌ساخت‌یابی شده آن است؛ به همین منظور در چنین محیطی اشاعه فرهنگ راهبردی که دربرگیرنده سنت‌های سیاسی، توانمندی‌های تکنولوژیکی مانند رسانه‌هایی چون هالیوود ضرورت دارد و کنش راهبردی آنان بر محوریت ارائه چهره جدید از قدرت به عنوان مکانیسم نوپدید خواهد بود. الگوی نوپدید از قدرت نرم توسط آمریکا در پساکوید درصدد توجه به امنیت‌هستی‌شناختی یعنی تصویرسازی جدید از خود به عنوان یک بازیگر متحول، کدسازی‌های نوین در سیاست خارجی و اشاعه آن‌ها با ابزارهای متنوع مانند هالیوود به منظور بازتولید قدرت خواهد بود. اساساً دولت‌ها برای افزایش امنیت‌هستی‌شناسی خود از دو راه استفاده می‌کنند به طوری که، هرزمانی دولتی این ادراک را داشته باشد که قدرت آنان روبه افول است (۱) یا به سمت ایجاد تنش و معمای امنیت می‌رود و یا (۲) با تغییر چهره و کنش‌گری قدرت نرم‌افزاری در محیط راهبری بین‌المللی خود بر ضریب امنیت‌هستی‌شناختی خود می‌افزاید. اساساً یکی از طرقی که آمریکا خواهد توانست در پساپاندمی به احیا و بازتولید قدرت نرم فرهنگی - سیاسی و همچنین عدم گذار از چتر هژمونی آمریکایی به چتر هژمونی چینی، علیرغم تقویت حوزه اقتصاد سیاسی، تقویت بخش فرهنگ و رسانه و علی‌الخصوص تولیدات هالیوود خواهد بود. بر این اساس، برای آمریکا واجب و ضروری است تا در جهت بازتولید قدرت نرم رسانه‌ای - دیجیتالی خود در پساپاندمی به ساخت آثاری جهان‌محور بپردازد که در آن آثار آمریکا نمونه موفق در حوزه‌های متنوع است (Johnson, 2021: 3-6). به عبارت دیگر، یکی از استراتژی‌های سینمای هالیوود به منظور بازتولید قدرت نرم آمریکا در دوران پساکوید، ظرفیت‌سازی‌های دیجیتال نوین به منظور دسترسی آزاد و سریع مخاطبین، گسترش پنهان‌باند، راه‌اندازی نسل‌های جدید ارتباطی - اینترنتی برای گسترش هرچه سریع‌تر آثار تولیدشده هالیوود به خارج از مرزها در جهت بازتولید قدرت نرم خواهد بود (Lobato, 2019: 73-83).

اساساً گسترش شبکه‌های نمایندگی و رسانه‌ای در پساپاندمی خواهد توانست در بازتولید چهره قدرت نرم‌افزاری آمریکا موثر باشد. به همین دلیل یکی از استراتژی‌های دولت آمریکا و گفتمان فرهنگی - رسانه‌ای ایالات متحده بر محور آثار هالیوودی افزایش جذابیت بصری، اقناع‌سازی

عمومی به منظور پذیرش آثار تولیدشده به درون بازارهای پر بازدهی جهانی خواهد بود تا بتواند ضمن ایجادسازی اکوسیستم سینمایی-رسانه‌ای با عطف به آثاری که بافتاری جدید و نوین ارائه کند مانند تولیداتی که مارکت‌های بین‌المللی و جامعه مصرفی گسترده‌ای را در شامل شود که بیان دیگر چنین تولیداتی معروف به آثار پرفروش (پر مخاطب) هستند و ظرفیت لازم برای تجدید و بازبایی قدرت نرم را دارا می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

رسانه‌ها در تمام مراحل قانون‌گذاری در سیاست خارجی نقش بسیار اثرگذاری دارند و در سطح مدیریت سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. به‌واسطه رسانه‌ها، اطلاعات بین‌المللی در سطح سیاست خارجی کشور، از کانال‌های متفاوت مورد بازنمایی و بازتولید قرار می‌گیرند. حضور رسانه‌های قدرتمند در بستر سیاست خارجی می‌تواند ضمن گفتمان‌سازی و قدرت‌سازی توانایی به حاشیه بردن گفتمان رقیب و مانع‌گذاری بر کنش‌ورزی آنان می‌شود که به‌بیان‌دیگر، سیاستی اسلکتیویستی نامیده می‌شود. مطابق با فرض مقاله، بیان شد که آمریکا در دوران مدیریت پاندمی کرونا و دوره پس‌پاندمی با تأکید بر تولیدات سینمایی هالیوود ضمن اشاعه مبانی سیاست خارجی خود به بازتولید قدرت نرم خواهد پرداخت؛ به‌طور مثال آمریکا با تولیدات هالیوود در سال ۲۰۲۱ که در مارکت‌های بین‌المللی فروش بسیار بالایی داشته‌اند و یا خواهند داشت. نهایتاً آمریکا با ساخت این تولیدات که اکثراً فروش گیشه بین‌المللی بالایی دارد درصدد پیوند بین دیپلماسی و هالیوود است تا ظرفیت لازم را برای کنشگری فرهنگی - هویتی خود را در جهت منافع سیاسی ارتقا دهد. به‌عبارت‌دیگر، دستگاه فرهنگی - سیاسی هالیوود و پیوند آن با بستر سیاست خارجی در عصر پس‌پاندمی به رویکرد نرم‌افزارگرایی سیاست - فرهنگ محور روی خواهد آورد تا بتواند نوپدیدگی در قدرت نرم را ایجاد نماید. در بسیاری از آثار هالیوود در سال ۲۰۲۱ به منظور احیای قدرت نرم آمریکا معرفت دوسویه انسان و جامعه به صورت اجتماعی برساخته‌سازی و انگاره‌سازی سازه‌انگارانه شده است و منطق<sup>۱</sup> روایتی آثار، این است که داده‌های جهان اجتماعی دارای گزاره‌هایی است که مردم در جوامع مختلف می‌توانند در پیوند خود و دیگران به ساختاربخشی پردازند و اساساً چنین ارتباط دیالکتیک محوری میان امر موجود و امر آینده که بازتولید قدرت است، نشان دهنده‌ی تلاش آمریکا برای بازبایی قدرت نرم و نظم‌سازی ناموزون<sup>۲</sup> است به این معنا

<sup>۱</sup>. Blockbuster

<sup>۲</sup>. Axioms

<sup>۳</sup>. Heterotopic



که این کشور می‌تواند با پیوند اجتماع مدنی مجازی<sup>۱</sup> به وسیله رسانه در پدیدار ساختن باهم بودن اجتماعی جدید جهانی<sup>۲</sup> را به عنوان یک رهبر به تمامی جهان بسط دهد و الگوسازی فرهنگی - هویتی تک‌ساحتی را بازنمایی نماید.

### منابع فارسی

۱. اعجازی، ا. و دیگران. (۱۳۹۹). تاثیر رسانه‌های اصلی ایالات متحده بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۰۷-۲۰۲۰). *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۶(۴)، ۱۳۸-۱۱۷. DOI: 10.22034/ISJ.2020.120609
۲. دعاگویان، د. (۱۳۹۹). جنگ نرم شبکه‌های ماهواره‌ای در روان‌سازی سیاست خارجی بین‌المللی کشورها. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۲)، ۱۱۵-۱۳۰. DOI: 10.22034/ISJ.2020.120609
۳. کیوان حسینی، ا. (۱۴۰۰). اثرپذیری مطالعات بین‌المللی قدرت از برداشت رابطه‌محور. *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱۰(۱)، ۶۹-۱۰۰. DOI: 10.22124/WP.2021.19253
۴. قاسمی، فرهاد. (۱۳۹۲). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: نشر میزان.
۵. مرادی، م. و دیگران. (۱۴۰۰). مقایسه تطبیقی راهبرد دیپلماسی عمومی چین و ترکیه در آفریقا. *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۴)، ۱۱۷-۱۳۸. DOI: 10.22034/ISJ.2021.255642
۶. نژادبهرام، ز. ملکیان، ن. تربتی، س. (۱۴۰۰). قدرت نرم کانون اصلی روایت‌ساز استراتژیک در قدرت دیپلماسی (بررسی سه روایت در مورد ایران). *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۶(۲)، ۲۲۱-۲۵۹. DOI: 10.22034/IPSA.2021.428

### English References

1. Bojola, C., Cassidy, J., Manor, I. (2020), *Digital Public Diplomacy. Business asexual oar Paradigm Shift?* In: Snow, N. and Cull, N. J.e. (Eds.), *Rutledge Handbook of Public Diplomacy*, 2<sup>nd</sup>.
2. Balzacq, T., Carillon, F., Ramel, F. (2020). *Global Diplomacy: An Introduction to Theory and Practice*, Translated by William Snow. University of Clermont Auvergne: Palgrave MacMillan, DOI: <http://doi.org/10.1007/978-3-030-38786-3>
3. Cammaerts, B. (2015), *Social Media and Activism*. Oxford, UK: Wiley-Blackwell.
4. Dienstag, J. F. (2020), *Cinema Pessimism: A Political theory of Representation and Reciprocity*, New York: Oxford University Press.

<sup>1</sup>. Virtual Civil Community

<sup>2</sup>. Physical Distancing New

5. Foreman, A., M. (2018), *Slactivism: Social Media Activism and its Effectiveness*, Faculty Work Comprehensive List.
6. Godfrey, L. (2020), Social Media's role in Coronavirus Pandemic, *Report business2 community*. March 27, at: <http://business2Community.com/social-media/social-medias-role-in-the-coronavirus-pandemic-02296280>.
7. Hall, S., Pasquini, S., (2020). Can There be a Fairy-Tale Ending for Hollywood after Covid19? We Forum Notices Site. July 23, at: <http://weForum.org/can-there-ba-a-fairy-tale-ending-for-hollywood-after-covid19>
8. Ivanovo, I. (2020). Reshaping U.S. Smart Power: Towards a Post-Pandemic Security Architecture, *Journal of Strategic Security*, 13(3), 46-74.
9. Johnson, M. (2021), *Hollywood Survival Strategies in the Post Covid19 era*, Humanities & Social Sciences Communications, <http://doi.org/10.1057/s41599-021-00776-z/>
10. Layne, C. (2010), *The Unbearable Lightness of Soft Power*, New York: Rutledge.
11. Lobato. R. (2019), *Netflix Nations: The Geography of Digital distribution*. New York: University Press.
12. Lee, S. (2020), *Cinema and Cultural Cold War: US Diplomacy and the Origins of the Asian Cinema Network*, New York: Cornell University Press.
13. Lutter, K. (2015), *Soft Power and Cultural Exchange: The Obama Administration and the Impact of U.S Public Diplomacy on the Beliefs of Estonians*, Student Theses, Becknell University.
14. Miskimmon, A., O'Loughlin, B., and Laura Roselle, L. (2017a) Introduction in: Miskimmon, A., et al, *Forging the World: Strategic Narratives and in international, University of Michigan press*.
15. Ney, J. (2020), Soft Power: The Evolution of a Concept, *Journal of Political Power*, Volume, 14(1), 196-208. Doi:10/1080/2158379x.2021.1879572.
16. Ney, J. (2019), *Soft Power and Public Diplomacy Revisited*, Jain Wang, Jan, Meissen, *Debating Public Diplomacy: Now and Next*, Boston: BRILL NIJHOFF.
17. Ohnesorge, H. W. (2020), *Soft Power: The Forces of Attraction in International Relations*, Springer Nature Switzerland AG2020. <http://doi.org/10.1007/978-3-030-29922-4>.
18. Roselle, L. (2014), Strategic Narrative a New Means to understand Soft Power, *Journal Media, War & Conflict*, 6(1), 73-124.

19. Rough, W. A. (2019) *Trump and American's Soft Power*, Palgrave Macmillan Publishes, Journals, Monographs and Reference Books.
20. Rawnsley, G. (2021) Cultural Outreach: Cinema and Soft Power, *Journal Chin Film Stud*, 1(1), 187-203. <http://doi.org/10.1515>
21. Sieb, P. (2012), *Real – Time Diplomacy: Politics and Power in the Social Media Era*, Its. Ed. New York: Palgrave Macmillan Us; Imprint; Palgrave Macmillan.
22. Szymanski, A. (2020), *Cinemas of Therapeutic Activism: Depression and the Politics of Existence*, Amsterdam University Press.
23. Surowiec, P., Manor, I. (2021). *Public Diplomacy and the Politics of Uncertainty*, University of Oxford: Palgrave Macmillan, DOI: <http://www.doi.org/10-1007-978-3-030-54-552-9>.
24. Watkins, P. (2015), *Media Crisis*, Editions L'Echappee Paris.

#### Translated References to English

1. Bojola, C., Cassidy, J., Manor, I. (2020), *Digital Public Diplomacy. Business asexual oar Paradigm Shift?* In: Snow, N. and Cull, N. J.e. (Eds.), *Rutledge Handbook of Public Diplomacy*, 2<sup>nd</sup>.
2. Balzacq, T., Carillon, F., Ramel, F. (2020). *Global Diplomacy: An Introduction to Theory and Practice*, Translated by William Snow. University of Clermont Auvergne: Palgrave MacMillan, DOI: <http://doi.org/10.1007/978-3-030-38786-3>.
3. Cammaerts, B. (2015), *Social Media and Activism*. Oxford, UK: Wiley-Blackwell.
4. Doagooyan, D. (2020), Soft Warfare of Satellite Television Networks in the Field of International Communications, *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 17(2), 115-130. DOI: 10.22034/ISJ.2020.120609 **(In Persian)**
5. Dienstag, J. F. (2020), *Cinema Pessimism: A Political theory of Representation and Reciprocity*, New York: Oxford University Press.
6. Ejazi, E., et.al., (2020). The Impact US Mainstream Mass Media on American Foreign Policy toward Iran (2007-2020). *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 16(4), 23-45. DOI: 10.22034/ISJ.2020.110059 **(In Persian)**.
7. Foreman, A., M. (2018), *Slactivism: Social Media Activism and its Effectiveness*, Faculty Work Comprehensive List.

8. Godfrey, L. (2020), Social Media's role in Coronavirus Pandemic, *Report business2 community*. March 27, at: <http://business2Community.com/social-media/social-medias-role-in-the-coronavirus-pandemic-02296280>
9. Ghasemi, F. (2013). *Theories of International Relation*. Tehran: Publication Mizan. **(In Persian)**.
10. Hall, S., Pasquini, S., (2020). Can There be a Fairy-Tale Ending for Hollywood after Covid19? We Forum Notices Site. July 23, at: <http://weForum.org/can-there-ba-a-fairy-tale-ending-for-hollywood-after-covid19>.
11. Ivanovo, I. (2020). Reshaping U.S. Smart Power: Towards a Post-Pandemic Security Architecture, *Journal of Strategic Security*, 13(3), 46-74.
12. Johnson, M. (2021), *Hollywood Survival Strategies in the Post Covid19 era*, *Humanities & Social Sciences Communications*, at: <http://doi.org/10.1057/s41599-021-00776-z/>
13. Keivan Hosseiny, A. (2021). The Effect of Relational Power Conception on International Power Studies. *A Quarterly Journal World Politics*, Vol.10, No. 1(35), 69-100. DOI: 10.22124/WP.2021.19253.2800 **(In Persian)**
14. Layne, C. (2010), *The Unbearable Lightness of Soft Power*, *New York: Rutledge*.
15. Lobato. R. (2019), *Netflix Nations: The Geography of Digital distribution*. New York: University Press.
16. Lee, S. (2020), *Cinema and Cultural Cold War: US Diplomacy and the Origins of the Asian Cinema Network*, New York: Cornell University Press.
17. Lutter, K. (2015), *Soft Power and Cultural Exchange: The Obama Administration and the Impact of U.S Public Diplomacy on the Beliefs of Estonians*, Student Theses, Becknell University.
18. Miskimmon, A., O'Loughlin, B., and Laura Roselle, L. (2017a) Introduction in: Miskimmon, A., et al, *Forging the World: Strategic Narratives and in international, University of Michigan press*.
19. Moradi, M., et.al., (2021). A Comparative Study of China-Turkish Public Diplomacy Strategies in Africa. *International Studies Journal (ISJ)*, Vol.17(4), 117-138. DOI: 10.22034/ISJ.2021.255642.1296 **(In Persian)**
20. Ney, J. (2020), Soft Power: The Evolution of a Concept, *Journal of Political Power*, Volume, 14(1), 196-208. Doi:10/1080/2158379x.2021.1879572

21. Nejadbahrām, Z., et.al. (2021). Soft Power is the Main Focus of Strategic Narrative in the Power of Diplomacy (Review of Three Narratives about Iran). *Research Letter of Political Science*, Vol.16(2), 221-259. DOI: 10.22034/IPSA.2021.428 **(In Persian)**.
22. Ney, J. (2019), *Soft Power and Public Diplomacy Revisited*, Jain Wang, Jan, Meissen, Debating Public Diplomacy: Now and Next, Boston: BRILL NIJHOFF.
23. Ohnesorge, H. W. (2020), *Soft Power: The Forces of Attraction in International Relations*, Springer Nature Switzerland AG2020. <http://doi.org/10.1007/978-3-030-29922-4>.
24. Roselle, L. (2014), Strategic Narrative a New Means to understand Soft Power, *Journal Media, War & Conflict*, 6(1), 73-124.
25. Rough, W. A. (2019) *Trump and American's Soft Power*, Palgrave Macmillan Publishes, Journals, Monographs and Reference Books.
26. Rawnsley, G. (2021) Cultural Outreach: Cinema and Soft Power, *Journal Chin Film Stud*, 1(1), 187-203. <http://doi.org/10.1515>.
27. Sieb, P. (2012), *Real – Time Diplomacy: Politics and Power in the Social Media Era*, Its. Ed. New York: Palgrave Macmillan Us; Imprint; Palgrave Macmillan.
28. Szymanski, A. (2020), *Cinemas of Therapeutic Activism: Depression and the Politics of Existence*, Amsterdam University Press.
29. Surowiec, P., Manor, I. (2021). *Public Diplomacy and the Politics of Uncertainty*, University of Oxford: Palgrave Macmillan, DOI: <http://www.doi.org/10-1007-978-3-030-54-552-9>.
30. Watkins, P. (2015), *Media Crisis*, Editions L'Echappee Paris.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی